

«فرهیختگان» به بهانه پخش سریال Emily in Paris و نقش آفرینی همسر مکرون در آن رابطه سینما و صنعت توریسم را بررسی می‌کند

پرزیدنت آکتور سینما

فوری‌های استارباکس را ترجیح می‌دهند، اما اعداد نشان می‌دهد مخاطبان امیلی در پاریس تنها آمریکایی‌ها نبوده و اتفاقا درکل دنیا این سریال تاثیرش را گذاشته است. امیلی دختری است که دست روزگار او را از شیکاگو به فرانسه آورده و عضو تیم بازاریابی یک شرکت فرانسوی کرده است. در تمام این چهار فصل، ما با امیلی همراه می‌شویم و زندگی را از دید او می‌بینیم. اولین مواجهه امیلی با فرانسه و تفاوتش با آمریکا نام‌گذاری طبقات ساختمان است. البته که تا آخرین قسمتی که منتشر شده انتظار چیزی بیشتر از این را نمی‌شود از این سریال داشت. دوربین همراه امیلی به موزه‌ها و بناهای گردشگری نمی‌رود بلکه او را با زیستی فرانسوی مواجه می‌کند. زیستی پر از میهمانی، مد و تفریح که برای بیننده ممکن است هیجان زیادی ایجاد کرده و او را ترغیب به دیدن فرانسه و پاریس کند اما فرانسوی‌ها را عصبانی کرده است.



مریم فضائی

خبرنگار گروه فرهنگ

این روزها در اخبار سیاست، فرانسه یکی از کشورهایی است که اسمش را زیاد می‌شنویم؛ از جنگ اوکراین و روسیه گرفته تا استیضاح امانوئل مکرون. عالم هنرو فرهنگ هم خالی از فرانسوی‌ها نیست و این بار بریژیت مکرون، بانوی اول فرانسه حاشیه‌ساز شده است. بازی کردن همسر رئیس‌جمهور فرانسه به مدت یک دقیقه در سریالی به نام Emily in Paris «امیلی در پاریس» حواشی زیادی ایجاد کرده است. همچنین از سوی دیگر، این سریال که در چهار فصل ۱۰ قسمتی تا به الان منتشر شده توانسته مخاطبان زیادی در سرتاسر دنیا برای خودش جذب کند. شاید مخاطبانی که این سریال برای آنها ساخته شده است، آمریکایی‌هایی باشند که ساندویچ‌های سریع مک دونالد و قهوه

اعتراض فرانسوی‌ها به یک دقیقه بازی مکرون

از همان فصل اول سریال با اینکه بریژیت مکرون به صورت واقعی جلوی دوربین نیامد اما اسم او از همان ابتدا در سریال شنیده شد. در فصل ابتدایی امیلی به کلمه‌ای که مربوط به زنان است اما در دستور زبان فرانسوی، کلمه‌ای مردانه حساب می‌شود اعتراض کرد و پستی در صفحه مجازی‌اش منتشر کرد. با انتشار این پست مکرون آن را در صفحه خود بازتشر داد و باعث شد امیلی دنبال‌کننده‌های بیشتری پیدا کند. لیلی کالینز، بازیگر نقش اول سریال به مجله فرانسوی Elle گفت: «بریژیت مکرون یکی از طرفداران پرو پاقرص این سریال حساب می‌شود که در فصل اول از او با شوخ طبعی استفاده

توریست به‌خاطر امیلی می‌آید

براساس مطالعه‌ای که اخیرا انجام شده از هر پنج توریستی که به پاریس سفر می‌کنند چهار نفر آنها بابت فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی که در فرانسه ساخته شده مایل به سفر بوده‌اند. این مطالعه که توسط شرکت تحقیقات بازار fop برای مرکز ملی سینما توگرافی فرانسه انجام شد، گردشگرانی از بلژیک، اسپانیا، ایالات متحده، بریتانیا، آلمان و چین را مورد بررسی قرار داد. این مطالعه نشان داد از هر ۱۰ گردشگر، یک نفر عمدتاً به دلیل یک فیلم یا سریال از پاریس دیدن کرده است. این عدد به نسبت مطالعه‌ای که سال ۲۰۱۸ انجام شده بود، افزایش قابل توجهی داشته است. ۳۸ درصد افراد انتخاب مقصد فرانسه را سریال «امیلی در پاریس» دانستند و آن را باعث انگیزه برای بازدید از فرانسه معرفی کردند. ۱۱ درصد دیگر به سریال معمایی فرانسوی «Lupin»

مخاطبان امیلی در جهان

از سال ۲۰۲۰ که سریال امیلی در پاریس منتشر شده است جزء یکی از محبوب‌ترین برنامه‌های نتفلیکس قرار گرفته. طبق گزارش نتفلیکس، فصل اول که در سال ۲۰۲۰ منتشر شد توسط ۵۸ میلیون خانواده در سراسر جهان تماشا شد. فصل دوم جزء پربیننده‌ترین برنامه‌های نتفلیکس در سال ۲۰۲۲ معرفی شد. فصل سوم آن در هفته اول به مدت ۱۱۷٫۶ میلیون ساعت در پلتفرم استریمینگ تماشا شد. نیمه

اشاره کردند. در مجموع ۸۶ درصد از پاسخ‌دهندگان قبل از سفر درباره فرانسه فیلم و سریالی را تماشا کرده بودند. فیلم‌ها و پروژوشی مانند «بزم داوینچی»، «ماوریت؛ سقوط غیرممکن» و «شیطان پرادامی پوشد» از دیگر محتواهایی است که الهام بخش گردشگران معرفی شده است. سریال امیلی در پاریس تنها برای گردشگران خارج از کشور مشوقی برای سفر به پاریس نبود و حتی در داخل فرانسه هم تاثیرش را گذاشت. در همین نظرسنجی اعلام شد ۲۲ درصد از ساکنان فرانسه پس از دیدن فیلم یا نمایشی که در پاریس تهیه شده سفری در داخل کشور داشتند و از آن محیط بازدید کردند. صحنه‌های زیادی از امیلی در پاریس در خیابان‌های فرانسه فیلمبرداری شده و همین باعث می‌شود افراد بخوانند در خیابان‌ها قدم بزنند و زیستی مانند امیلی را تجربه کنند.

منفوربین فرانسوی‌ها

در فصل چهارم زمانی که امیلی با همکار جدیدش به رستوران رفته بود با بریژیت مکرون، همسر رئیس‌جمهور فرانسه دیدار می‌کند. مکرون او را در صفحات مجازی دنبال می‌کند و با امیلی آشنایی دارد. امیلی بعد از تلاشی که می‌کند تا با زبان فرانسوی به مکرون بگوید من شهر شما را دوست دارم، می‌شود: «فرانسه هم تو را دوست دارد.» اما در واقعیت چنین چیزی نیست. با این حال همه افراد مانند همسر رئیس‌جمهور فرانسه طرفدار سریال امیلی در پاریس نیستند و این سریال در سال ۲۰۲۰ به دلیل ارائه تصویرهای کلیشه‌ای از پارسی‌ها و فرهنگ فرانسوی با نقدهای متفاوتی مواجه شد. این سریال به ویژه در میان برخی ساکنان پایتخت فرانسه منفور است؛ تاحدی که مردم فرانسه مکان‌های فیلمبرداری سریال را تخریب کردند. در نظرسنجی‌های متفاوتی از مردم فرانسه، مطرح شد سریال امیلی در پاریس شاید فرانسه را به زیبایی نشان داده اما تصویری که انتخاب کرده واقعی نیست. براساس یک مطالعه جمعیت‌شناسی که توسط موسسه ملی آمار و مطالعات اقتصادی فرانسه انجام و منتشر شده است ۱۰۳ درصد از جمعیت فرانسه در سال ۲۰۲۱ – چیزی حدودا معادل هفت میلیون نفر– را خارجی‌های متولد خارج از فرانسه تشکیل می‌دادند. این درحالی است که این عدد ۵۳ سال گذشته یعنی در سال ۲۰۱۶۸، ۶٫۵ درصد بوده است. همچنین در این نظرسنجی مطرح شده فرانسه که پیش‌تر مقصد مهاجرانی از جنوب اروپا بوده است امروزه به مأمَن مهاجرانی از کشورهای شمال غرب آفریقا (مراکش، الجزایر، تونس و لیبی)، آفریقای سیاه و آسیایی بدل شده است. اینها نشان می‌دهد که پاریس کشوری مهاجرپذیر است. این موضوعی است که در این سریال دیده نمی‌شود. فصل اول سریال به نسبت دیگر فصل‌هایش بیشتر سبک کار و زندگی فرانسوی‌ها را نشان داد. مردم خوش‌خیال و راحت که ساعت ۱۱ ظهر سر کار می‌روند، مردمی که با مهاجران خوب برخورد نمی‌کنند، غالباً عیوس و بد اخلاق هستند و اگر فردی زبان فرانسوی بلد نباشد او را در بین خودشان نمی‌پذیرند. تصویری که از فرانسوی‌ها ساخته شده باعث می‌شود آنها را دوست نداشته باشیم و صرفاً تحمل شان کنیم. جنیفر پادجمی، روزنامه‌نگار و نویسنده فرهنگی- اجتماعی فرانسوی در این باره نوشت: «پاک کردن تنوع در پاریس کاری است که اغلب تلویزیون و سینمای آمریکا انجام می‌دهد، زیرا تمایل دارند نسخه‌ای «فانتزی» از شهر را به تصویر بکشند.» در یکی از قسمت‌های فصل اول زمانی که امیلی با همکار فرانسوی‌اش درباره کار و زندگی حرف می‌زند، می‌گوید: «ما آمریکایی‌ها، زندگی می‌کنیم تا کار کنیم.» در مقابل لوک، همکارش پاسخ می‌دهد: «این همان

تفاوتی است که ما باهم داریم، فرانسوی‌ها برای زندگی کردن کار می‌کنند.» کلیشه‌های متعددی درخصوص پاریس در این سریال به نمایش گذاشته می‌شود. درحقیقت تصویری که از این شهر نشان داده شده این است که بیش از حد تمیز است و گویی هیچ بی‌خانمانی در آن زندگی نمی‌کند. چنین تصویری بی‌شک یک تصویر کارت‌پستالی و به دور از واقعیت از پاریس است. خصوصاً که در این چند سال اخیر اعتراضات اجتماعی که شکل گرفته به زیبایی شهر آسیب زده است. در یکی از اعتراضاتی که پاکبانان فرانسه به قانون بازنشستگی داشتند دست به اعتصاب زدند و هیچ زباله‌ای را در سطح شهر جمع نکردند. طبیعتاً انتظار اینکه چنین قایبی از فرانسه نشان داده بشود را نداریم، اما اینکه فرانسه را عاری از هرگونه ناپاکی و آلودگی بدانیم هم امری اشتباه است. علاوه بر این لباس‌ها و پوشش شخصیت‌های سریال بسیار شبیک و پرزرق و برق است. این موضوع حتی خود فرانسوی‌ها را هم به تعجب واداشت. از سوی دیگر رفتارها و ژست‌هایی همچون سیگار کشیدن در اماکن عمومی جزء مسائلی است که بیش از حد کلاسیک بوده و در پاریس امروز دیده نمی‌شود. رسم اعتراض به شخصیت منفی توسط یک صنف شغلی یا یک ملیت موضوعی است که در دنیا هم وجود دارد، حتی گاهی وقت‌ها این اعتراض‌ها به یک شخصیت فرعی شکل می‌گیرد. در فصل دوم سریال یک شخصیت جدید برای چند قسمت وارد سریال شد. امیلی که کماکان در کلاس‌های زبان فرانسوی شرکت می‌کرد با دختری آشنا شد که اصالتاً اوکراینی بود. پترا و امیلی برای تمرین زبان باهم قرار می‌گذاشتند و پترا او را به سرقت لباس و کیف تشویق می‌کرد. «الکساندر تکاچنکو»، وزیر فرهنگ و اطلاعات اوکراین به شخصیت پترا اعتراض کرد و نوشت: «در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ مردان اوکراینی را کانگستر نشان می‌دادند. با گذشت زمان این رویکرد تغییر کرد، اما نه در این مورد. در سریال امیلی در پاریس با کاریکاتوری از یک زن اوکراینی طرف هستیم که غیرقابل قبول و توهین‌آمیز است. اوکراینی‌ها در خارج از کشور این‌گونه می‌بینند؟ افرادی که دست به سرقت می‌زنند، همه چیز را به رایگان می‌خواهند و از دیپورت شدن می‌ترسند؟» نیاید این‌گونه باشد. «نتفلیکس درمقابل این اعتراض‌ها واکنش نشان داد و گفت: «در مورد نگرانی بینندگان از تصویر زنان اوکراینی توافق شد در سال ۲۰۲۲ همکاری نزدیکی داشته باشیم تا از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری شود.» با تمام واکنش‌های منفی که تیم سازنده امیلی از سمت مردم فرانسه دریافت کرده اما چند روز بعد از پیش آخرین قسمت فصل چهارم خبر از ساخت فصل پنجم دادند.

است که وارد این عرصه شده.

سوالی که این روزها و با فراگیر شدن کتاب‌های صوتی در میان کتابخوانان مطرح می‌شود اینکه آیا کتاب صوتی می‌تواند در ترویج فرهنگ کتابخوانی نقشی داشته باشد؟ یا اصلاً به صنعت نشر کمکی خواهد کرد؟ تفاوتی اساسی میان خواندن کتاب و گوش دادن به آن وجود دارد، زیرا کتاب‌های صوتی همانند روخوانی اجازه فکر کردن را که لازمه تفکر انتقادی و خلاق است، به مخاطب نمی‌دهند. اصولاً گوش دادن به کتاب صوتی جزء فرآیند کتابخوانی نیست. کتاب‌های چاپی می‌توانند دانش را گسترش دهند و حافظه را تقویت کنند. خواندن کتاب‌های چاپی بر مبنای بها دادن به ایده انتقادی، توانایی تحلیل و آزاد گذاشتن خواننده، برای درک و فهم و پژوهش است. کتاب صوتی پدیده‌ای است که موزی با سایر پیشرفت‌ها در عرصه‌های مختلف ایجاد شده. کتاب‌های کاغذی ارزشمندی در سراسر جهان و حتی ایران وجود دارند که فقط خاک می‌خورند. بنابراین با این همه کتاب‌نخوانده‌از گذشتگان معتقدم انتخاب کتاب‌های چاپ‌شده برای تبدیل به فرمت صوتی درست نیست.

کتاب صوتی همسو با زندگی شتابزده امروز عمل می‌کند و باعث ترویج کتابخوانی نمی‌شود. ذهنیات روند انتخاب کتاب کاغذی و تبدیل شدن آن به کتاب الکترونیکی نادرست است و قاعدتاً خرید و تهیه کتاب را از جامعه حذف و نقش کتاب‌های چاپی را در جامعه کم‌رنگ می‌کند و این درحالی است که باید کتاب را به شکلی نوستالژی در دست گرفت مطالعه کرد تا لذت برد. اساساً نحوه ارتباط برقرار کردن با متن کتاب از طریق شنوایی

ذهن و فکر و وقت و خلاقیت نویسنده را در پی داشته و با فراز و نشیب‌ها و ممیزی و مشکلات چاپ و پخش دست و پنجه نرم کرده حالاً امروزه همان‌ها دستمایه نادرست و اشتباه شده و مبدل به پادکست صوتی می‌شوند. به واقع تمام زحمات و تجربیات ذهنیات به یک صدا تبدیل شده و باد او را خواهد برد. حتی در دنیای غرب هم روشی اینچنین مرسوم نیست. گرچه هم باشد، مگر کجای فرهنگ و ادبیات و حتی جامعه ما تحت تاثیر غرب است که در این ورطه دچار غرب زدگی شویم؟ اینجا حتی برای کتابی رایت هم حق و حقوق ارزشی وجود ندارد! کتاب‌های صوتی مدت‌هاست توسط اغلب افراد جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد اما همچنان برای اکثریت کتابخوان‌های قهار و حرفه‌ای حتی مردم عام، این نوع روش جذابیت چندانی ندارد و آن را جایگزین قاطعی برای کتاب کاغذی نمی‌دانند چنانکه متفق القول می‌گویند توریق کتاب، بوی کتاب، سطور کتاب و حس کتاب جایگزینی ندارد.

نکته مهم اینکه در ادبیات جهان به خالق اثر ارج و اعتبار می‌دهند و آثارشان مورد تشویق و حمایت قرار گرفته می‌شود و مهم‌تر، فیلمسازان ترغیب به ساخت اثر اقتباسی می‌شوند. به اعتقاد من کتابی که شکل تصویری به خود می‌گیرد همیشه قابل لمس و احساس کردنی است و روح دارد و البته ماندگار می‌شود. دهه‌ها می‌گذرد و فیلم‌ها و سریال‌ها که براساس رمان تولید شده‌اند همچنان لذت بخش و چشم‌نوازند و قطعا در ذهن‌ها خواهند ماند. کدام رمان یا کتابی که به شکل شنیداری و صوتی در می‌آید، می‌ماند و بی‌پدیل خواهد شد؟ اینجا ذهنیات بی‌مایه و یکبار مصرف، لابه‌لای روزمرگی گم می‌شوند. حقیقتاً صوتی کردن کتاب، تحول نیست، این واژه، گول‌زنک و اشتباهی

و بنیایی بسیار متفاوت است و امکان حواس پرتی هنگام گوش دادن فابل صوتی بیشتر از هنگام روخوانی است و همچنین امکان تداخل اطلاعات و خستگی ذهنی به دلیل اینکه زمان استفاده از صوت برای مغز انسان مدت زمان محدودتری نسبت به مطالعه و روخوانی است، بیشتر می‌شود. اما در مورد پادکست‌های نوستالژی و تاریخی، فرهنگی و شخصیتی چنین نظری صادق نیست. موسساتی که با تحقیق و پژوهش در تاریخ و فرهنگ و هنر مملکت، اطلاعات و خاطرات طلایی گذشته را در قالب پادکست تهیه و تولید می‌کنند، شیوه‌ای قابل قبول و سنجیده است که ما را با تاریخ و فرهنگ کشور و گاهی شخصیت‌های سیاسی، هنری و اجتماعی آشنا می‌سازد و الحق که سبکی نوین و جذابی را شکل داده‌اند. قطعا با شنیدن چنین خاطرات نوستالژیک در تونل زمان مسیر خواهیم کرد اما در بحث ادبیات و کتاب نه تنها جذابییتی ندارد بلکه فراگیر شدن کتاب‌های صوتی به رشد و دگرگونی ادبیات آسیب می‌زند. امکان دارد یک زمان کلاسیک مثل دیکنز را به شکل صوتی درآورده البته آن هم صدمه به اثر است اما آثار متأخرتر به ویژه آثار پست مدرن را نمی‌توان به صورت صوتی ارائه داد. به‌طور کلی کتاب صوتی، ارتباط مستقیم و بی‌واسطه خواننده با اثر را از بین می‌برد و مانع ارتباطی سمْپاتیک و تعامل بین آن دو می‌شود. من معتقدم روند رو به رشد کتاب‌های صوتی برای آینده ادبیات، نگران‌کننده است و اگر به همین منوال پیش رود دچار سرنوشتی خاکستری می‌شود یا دست‌کم می‌تواند آینده ادبی را متزلزل کند و به نوعی روح و احساسی که در بطن و دل کتاب وجود دارد، از بین می‌رود.